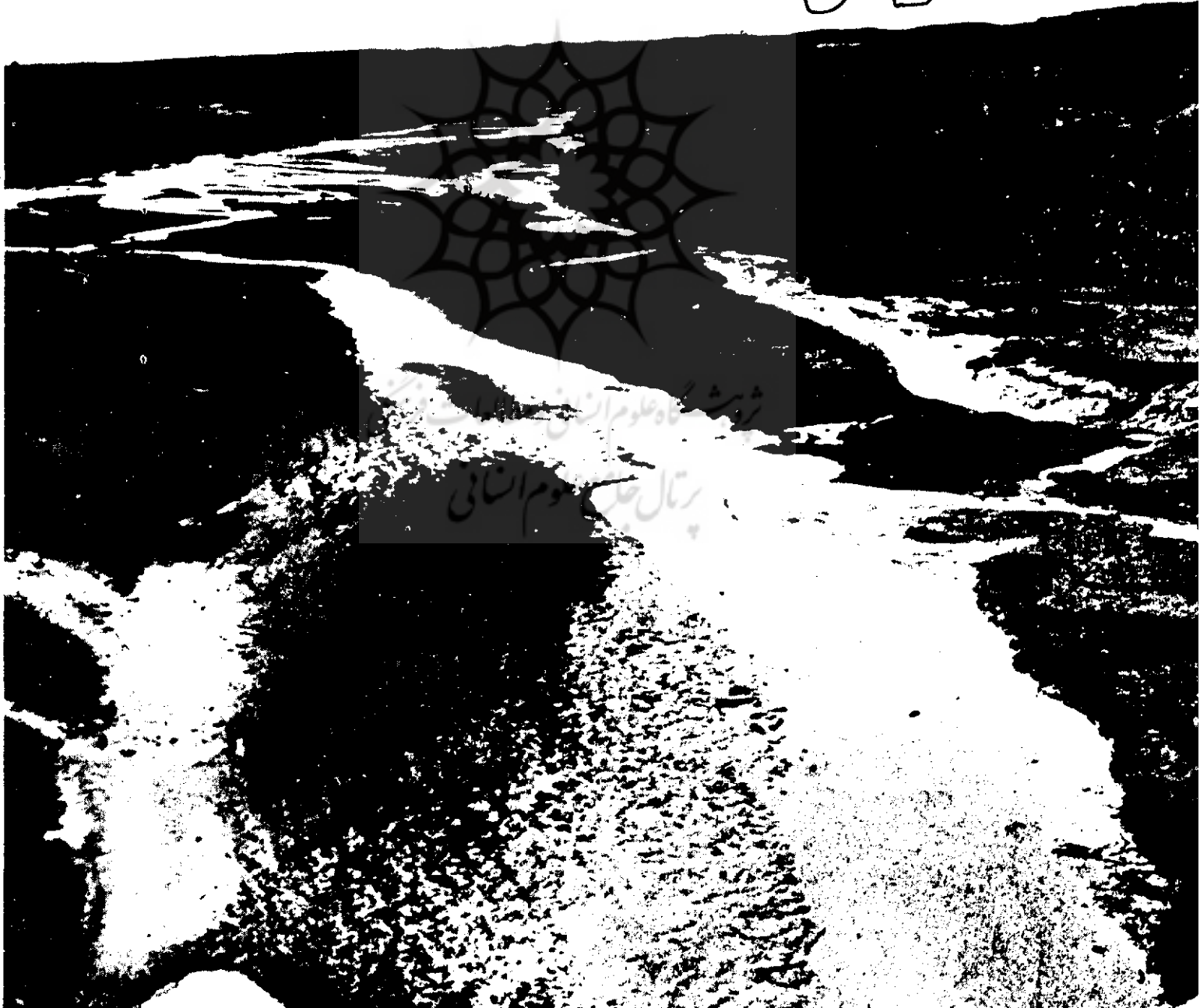


آب‌کشاوزی

امکانات، تنگناها

و راه‌ها

* جهاد سازندگی با احداث ۲۸۴۰ واحد سد خاکی و سیل بند و تعمیر و تکمیل ۳۶۷ واحد دیگر و نیز زه‌کشی کربال فارس و لایروبی مرداب انزلی واحداث ۳۲۶۵ کیلومتر نهر و جدول و ۳۲۴۶ کیلومتر تعمیرات در این مورد، و مرمت واحداث بیش از ۱۲ هزار قنات و چشمه سار، توانسته است نقش مهمی در اجرای خدمات زیربنایی کشاورزی در امور آبیاری داشته باشد.



بسم الله الرحمن الرحيم

وجعلنا من الماء كل شيء حي، وهر موجود زنده‌ای را از آب قرار دادیم (قرآن کریم- سوره انبیا، آیه ۳۰) سخن از آب است، سخن از پدیده‌ایست که حیات و زندگی تمامی مخلوقات در گرو آن است، هر جا زندگی یافت شود قطعاً پیش از آن آب وجود داشته است و هر جا زندگی و حیات بخواد ادامه داشته باشد، بایستی آب نیز وجود و تداوم داشته باشد و این نکته‌ایست روشن‌تر از آفتاب و نیازی به توضیح آن نیست.

ولی با توجه به اینکه اساسی استقلال کشور و رسیدن به اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی همانا توسعه کشاورزی است و خوشبختانه این مسئله بعنوان محور برنامه‌ریزیهای اقتصادی کشور تعیین شده است، و رشد کشاورزی و احیای اراضی و بهره‌برداری بهتر و بیشتر از آنها موکول به شناخت و بهره‌برداری صحیح و اصولی از منابع آبی کشور می‌باشد جهت شناخت بهتر این مهم، تلاشی هر چند ناچیز صورت گرفته است که در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌گیرد: کشور پهناور ما با وسعت ۱۶۵ میلیون هکتار تقریباً دارای ۶۷/۶ میلیون هکتار دشت می‌باشد که از این مقدار حدوداً ۳۴ میلیون هکتار آن اراضی خوب و مستعد برای کشاورزی و ۱۹ میلیون آن اراضی متوسط برای کشاورزی است که از این مقدار تنها ۳٪ آن زیر کشت آبی می‌باشد.

با دقت در آمار مزبور، مشاهده می‌شود که مساحت جهت توسعه کشاورزی در بلند مدت، مشکلی از نظر کمبود اراضی نداریم و تنها مشکل اساسی در بلند مدت تأمین آب است و این مسئله وقتی روشن‌تر می‌شود که مقدار اراضی که زیر کشت دیم قرار دارد در نظر بگیریم که حدوداً بیش از دوسوم زمینهای زیر کشت کشور، زیر کشت دیم قرار دارد و مزارع دیمی بموجب ازدیاد بارش و بارشهای بی‌موقع یسنا ناچیز، در معرض خطر نابودی و اضمحلال می‌باشند. برای شناخت راههای بهره‌برداری بهتر از آبهای کشور در درجه اول بایستی امکانات آبی کشور شناخت شده و مورد بررسی قرار گیرد، منابع آبی کشور اصولاً به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از:

آبهای زیرزمینی، آبهای سطحی و ریزشهای جوی، که هر کدام را جداگانه مورد بررسی مختصر قرار می‌دهیم:

آبهای زیرزمینی

طبق برآوردهای غیر رسمی میزان آبهای زیر زمینی حدود ۳۵ میلیارد مترمکعب در سال است که از این مقدار حدود ۲۸ میلیارد مترمکعب آن سالانه برداشت و جهت مصارف کشاورزی، صنعتی و آشامیدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین آمار سال ۱۳۵۹ وزارت نیرو، مقدار برداشت از مخازن آبهای زیرزمینی در سال عبارتند از:

چاهها: ۱۳/۵ میلیارد مترمکعب، قناتها: ۹ میلیارد مترمکعب، چشمه‌ها: ۶/۵ میلیارد مترمکعب که در مورد برداشت از چاهها بایستی این توضیح را داد که در مناطق فلات مرکزی و شرق ایران خصوصاً در مناطق یزد و کرمان و خراسان و استان مرکزی

میزان برداشت از میزان تغذیه سالانه مخازن پیشی گرفته و این مخازن بعلافت حفر چاههای غیر مجاز و بهره‌برداری بیش از ظرفیت در خطر نابودی قرار دارد.

در مورد شمار قنات دایر در زمان حال در حدود ۵۰ هزار رشته ذکر شده است، در صورتیکه در گذشته تنها تعداد قنات خراسان را ۴۲ هزار رشته نوشته‌اند و علل اصلی افول و نزول شمار قناتها را می‌توان در حفر بی‌رویه و غیراصولی چاههای عمیق و عدم حفاظت و لایروبی قنات در سالهای اخیر ذکر نمود (البته پس از انقلاب جهاد سازندگی تلاشهای گسترده‌ای را در حفاظت و لایروبی و گسترش قنات به انجام رسانده است...).

در باره آبهای زیرزمینی بایستی متذکر شد که مطالعات نیمه تفصیلی در مورد حدود ۹۵٪ از منابع آبهای زیرزمینی انجام شده است اما برای تعیین دقیق ظرفیتها و بیان آبهای زیرزمینی، کارهای انجام نشده بسیار است.

منابع آب سطحی کشور

میزان منابع آب سطحی کشور بطور متوسط حدود ۹۵ میلیارد مترمکعب در سال است که از این مقدار سهم مناطق غرب و خوزستان ۳۷ میلیارد مترمکعب و حوزه‌های ارس، بحر خزر و حوزه دریاچه ارومیه حدود ۳۴ میلیارد مترمکعب در سال است، به این ترتیب قسمت اعظم مساحت کشور شامل فلات مرکزی و شرق ایران و سواحل خلیج فارس و بحر عمان با وسعت حدود ۱/۲ میلیون کیلومتر مربع فقط ۱۵٪ امکانات آب سطحی برخوردار است.

ولی در همان استان خوزستان که از نعمت آب خدادادی بهره بسیاری برده است و بیش از ۳۶٪ کل آبهای سطحی کشور (حدود ۳۰ میلیارد مترمکعب) در آنجا قرار دارد، متأسفانه فقط از ۶ میلیارد مترمکعب آن برداشت می‌شود و این مسئله ضرورت مهار نمودن و کنترل آبهای سطحی و استفاده صحیح از آنها را نشان می‌دهد.

آبهای سطحی مهار شده کشور

در حال حاضر با استفاده از ۱۳ سد مخزنی و ۳۴ سد انحرافی احداث شده حدود ۲۳ میلیارد مترمکعب آب سطحی هار شده است که از این مقدار فقط ۱۴ میلیارد مترمکعب می‌تواند در اراضی زیرسدها مورد استفاده قرار گیرد، سالانه حدود ۵ میلیارد مترمکعب از این آبها هنوز به مصرف واقعی خود نمی‌رسد.

بارندگی‌های سالانه

یکی از مهمترین منابع آب، مسئله ریزشهای جوی و بارندگیهای سالانه است، که در کشور ما، از این نظر، بیش از تمام جنبه‌های دیگر ناهمگونی وجود دارد، مثلاً در حالی که در نزدیکی بندر انزلی میانگین بارندگی سالانه حدود ۱/۵ متر می‌باشد، در محلی بنام لوت‌زنگی واقع در شمال شرقی کرمان، بارندگی سالانه از ۵۰ میلیمتر تجاوز نمی‌کند، این مقدار ناچیز در سطح گسترده‌تر بیشتر دیده می‌شود

و به همین سبب لزوم توجه به حداکثر بهره‌برداری از نزولات و پیش از آن ضرورت کنترل و مهار بیشتر سیلابها مشاهده می‌شود.

در استان تهران و اطراف آن با وجود اراضی حاصلخیز و خاک مرغوب و قابل کشت و دشتیانی چون ورامین و شهریار معدل بارندگی سالانه بطور متوسط از ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیمتر تجاوز نمی‌کند و زراعت بدون آبیاری دستی میسر نمی‌باشد.

مقدار آب رودخانه‌ها که هر ساله هزر می‌رود

همه ساله حدود ۴۱ میلیارد مترمکعب آب رودخانه‌های ایران (رودخانه غربی، رودخانه‌های جنوب غربی، رودخانه‌های حوزه دریای خزر، رودخانه‌های حوزه دریاچه ارومیه و رودخانه‌های فلات مرکزی) از دسترس ما خارج شده و به دریا یا به باتلاقها ریخته و هزر می‌رود و این در حالی است که بایک میلیارد مترمکعب آب (معادل یک کیلومتر مکعب آب) می‌توان: اهالی نسبتاً مرفه یک شهر ۱۰ میلیون نفری را برای مدت یکسال سیراب نمود یا حدود ۲۰۰ هکتار زمین را آبیاری کرد (که این مقدار در اراضی کویری حدود ۱۵۰ هزار هکتار می‌شود) و یا اینکه ۸۰۰ هزار تن گندم تولید نموده و نان سالانه حدود ۴ میلیون نفر را تهیه کرد.

خلاصه و نتیجه:

با دقت در آمار فوق‌الذکر می‌توان دریافت که نعمات الهی بر این مرز و بوم در زمینه‌های گوناگون نامحدود و بی‌انتهای بوده و به فرموده قرآن: و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها، (و اگر بخواهید نعمتهای الهی را بشمار در آورید، موفق نخواهید شد).

این نعمتها غیرقابل شمارش و آمار بوده و این سرزمین پهناور می‌تواند به لطف خداوند و بنا بر برنامه‌ریزیهای دقیق و حساب شده و تلاشی بیشتر، جمعیتی چند برابر جمعیت موجود کشور را تغذیه نموده و دست نیاز ما را به کشورهای دیگر کوتاه و دست‌های سلطه‌گران را از میهن اسلامی، قطع نماید. ولی این مهم عملی نخواهد شد، جز با اتکال به خداوند و شناخت دقیق منابع موجود، تخصصهای موجود، مصالح و مواد اولیه موجود و تطبیق برنامه‌ها با فرهنگ کشور.

و همانطور که می‌دانیم آبهای سطحی کشور همچون نفت و سایر منابع معدنی نیست که تازمانی که به آنها احتیاج باشد، می‌توان در محل اصلی و طبیعی به حال خودش رها نمود و ذخیره کرد و در صورت عدم استفاده یک نسل آنها در دسترس نسل بعدی قرار می‌گیرند بلکه آب جاری را نمی‌توان به همین ترتیب نگاهداری کرد و عبارتی تمام آبهای که امروز مصرف نشود، برای همیشه از بین رفته‌اند و حتی ضررهای بسیاری هم می‌سازند، بنابراین هر گونه وقفه در ذخیره و نگهداری آبهای موجود، ضررهای جبران‌ناپذیری بدنبال خواهد داشت، و برآستی با کنترل بخشی از ۴۱ میلیارد مترمکعب آبهای که هر سال در این کشور بهدر می‌رود، چه

کارها که نمی‌توان کرد؟

حال یا شناختن کلیاتی از وضعیت زمین و آب موجود کشور، مشکلات آب کشاورزی و راه‌حلهای آن (از دیدگاه جهاد سازندگی) را از زبان برادر حضرنی از نظر شما خوانندگان عزیز می‌گذرانیم:

مشکلات آب کشاورزی و راه‌حلهای آن

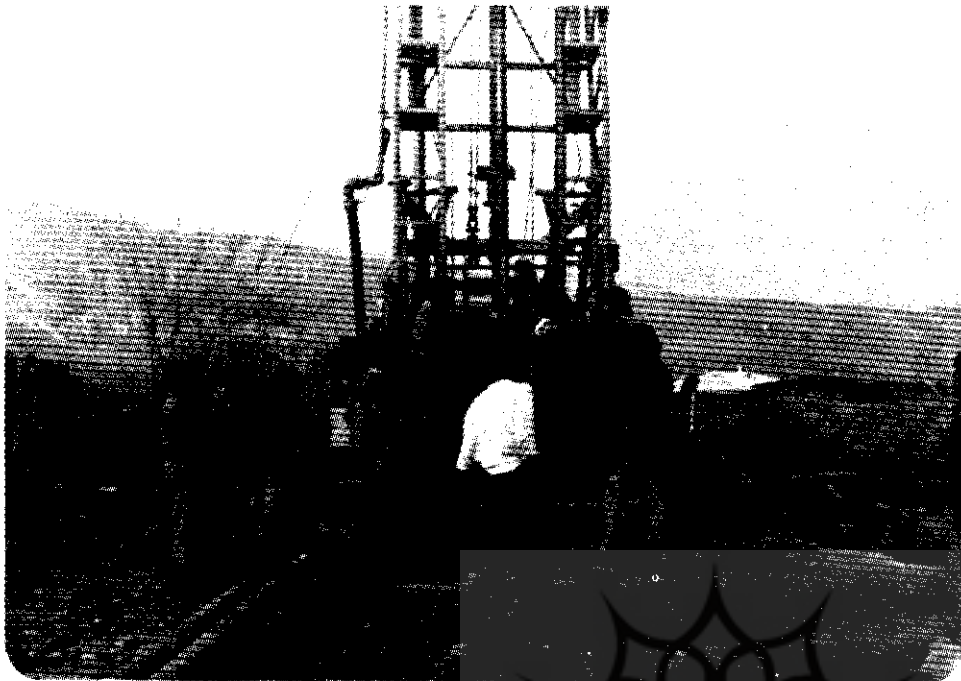
در رابطه با آب کشاورزی بعنوان یکی از محورهای اساسی جهت بالا بردن میزان تولیدات کشاورزی، بایستی یادآور شد که کشور ایران به لحاظ وسعتی که دارد و جزو کشورهای وسیع می‌باشد، اما میزان نزولات آسمانی آن یک سوم معدل بارندگیهای جهان بوده و به غیر از مناطق شمالی، میزان بارندگی در نقاط دیگر کشورمان کم می‌باشد.

مشکل عمده‌ای که در زمینه آب کشاورزی وجود دارد، نخست کمی بارندگی و دیگر ناهمگن بودن بارندگی از لحاظ زمانی و مکانی است، مسئله ناهمگن زمانی به این معنی که در فصولی از سال که نیاز به آب کم می‌باشد، بیشترین میزان نزولات را دارا بوده و در فصولی که بیشتر گیاهان نیاز به آب دارند که عمدتاً در فصل تابستان است، کمترین میزان نزولات را داریم، لذا باید به نحوی در مناطقی که در فصولی از سال دارای نزولات آسمانی زیادی هستند برای مناطق کم باران ذخیره گردد.

مسئله ناهمگمی مکانی به این معنی که مساداری بیشترین بارندگی در یک حوضچه (که در شمال ایران است) بوده و میزان در صدی که از اراضی آن مناطق نسبت به کل اراضی کشورمان رامی‌پوشاند، اراضی که بصورت دشت قابل کشت هستند، بسیار ناچیز است و بایستی در مورد نزولات آسمانی، آبهای سطحی و زیر زمینی یک کار اساسی و ریشه‌ای صورت گیرد تا از مختصر نزولاتی که بهره‌مند هستیم، استفاده صحیح در جهت تامین آب کشاورزی برای بالا بردن سطح تولید و خود کفائی مواد غذایی کشورمان را بنمائیم.

ما از لحاظ کار تخصصی آب دارای تاریخ طولانی و بسیار وسیعی در این زمینه بوده، بطوریکه دو هزار سال پیش در شیراز و دیگر نقاط کشورمان تاسیسات آبی فراوان و همچنین سد های قوسی، سد های پیچیده‌ای که توسط متخصصان کشورمان ساخته شده، وجود داشته است. از آنجائی که توسعه و گسترش منابع آب در هر حال اساسی ترین محور در تولیدات کشاورزی و همچنین در رسیدن به استقلال و خود کفائی مواد غذایی کشورمان محسوب و به عنوان یک حرکت مهم و استراتژیک بحساب می‌آید، در گذشته از سوی متخصصان وابسته و دیگر عناصر سرسپرده، این صنعت همواره مورد تضعیف و چپاول هر چه بیشتر آنان، که تاریخ چند ساله دارد، واقع می‌گردید.

باید توجه داشت که ما از لحاظ تکنیکی کار در این بخش هم دارای تجارب و پیشرفتهای بسیار زیاد بوده‌ایم، برای نمونه: در مورد قنات که یک حرکت فنی و اصولی و با تکنیک اجرایی نسبتاً پائین اما باشناختی که از منابع آبهای زیر زمینی صورت گرفته، همواره پیشقدم و بانی این صنعت بوده و در حال دارای هزاران رشته قنات در سراسر کشور می‌باشیم.



متأسفانه از این قناتها در گذشته خوب نگهداری نشده و بعد از پیروزی انقلاب توسط بعضی از سازمانها و ارگانهای نظیر «جهاد سازندگی» در احیا آن قناتها کوششهای زیادی بعمل آمده است.

توسعه اقتصادی کشورمان با توسعه و گسترش منابع آب دارای رابطه بسیار زیادی است. در گذشته سیاست و خط کلی این بوده که ماهر چه بیشتر در زمینه‌های تخصصی و فرهنگی و غیره به کشورهای بیگانه وابسته باشیم، طبق این سیاستها، متخصصینی که در زمینه‌های راه و ساختمان، بخصوص در دانشگاهها، تحصیل و در زمینه آب بعضی از واحدهای دانشگاهی را هم گذرانده بودند، اما از آنجائی که آنها را در طرحها و برنامه‌ریزیهای اصلی آب کشور نظارت نداده و بیشتر از متخصصین خارجی استفاده می‌گردید، موجب شد که کمتر به این رشته جذب و بیشتر به رشته‌های راه و ساختمان و اپارتمان سازی و غیره گرایش پیدا کنند، در نتیجه با کمبود نیروی متخصص در بخش آب مواجه شدیم که این امر کشور را با مشکلاتی در زمینه برنامه‌ریزی روبرو ساخت و این مشکل اختصاص به یک ارگان و سازمان خاصی نبود بلکه شامل اکثر سازمانهای دولتی و غیردولتی، حتی بخش خصوصی که در این زمینه فعالیت زیادی دارد می‌باشد.

یکی دیگر از مشکلات آب کشاورزی، بالا بودن اعتبارات و طولانی بودن زمان پروژه‌ها می‌باشد، از آنجائی که پروژه‌های آب، پروژه‌های زیربنائی است، همیشه با این مشکلات مواجه هستند، یعنی

*** مشکل دیگری که آب کشاورزی با آن مواجه است، عدم برنامه‌ریزی صحیح در توسعه منابع آب می‌باشد، بعنوان مثال از ۱۵ سد مخزنی و ۲۴ سد انحرافی که داریم، توانسته‌ایم حدود ۲۳ میلیارد متر مکعب آب سطحی را مهار کنیم و از این رقم فقط حدود ۱۴ میلیارد متر مکعب آن هم اکنون برای آبیاری استفاده می‌شود.**

*** یکی از مشکلات آب در کشور ما کمی بارندگی و ناهمگمی بودن بارندگی از لحاظ زمانی و مکانی است و مشکل دیگر بالا بودن اعتبارات و طولانی بودن زمان پروژه‌هاست و دیگر نامتناسب بودن توپوگرافی حوزه‌های آبریز و شیب زیاد دامنه‌های البرز و زاگرس است که مهار کردن جریان سطحی را دشوار می‌کند.**



*** آبهای سطحی کشور همچون نفت و سایر منابع معدنی نیست که در صورت عدم نیاز بتوان آن را بحال خودش رها نمود و ذخیره کرد بلکه آبهایی که امروز مصرف نشود، برای همیشه از بین رفته‌اند بنابراین هر گونه وقفه در ذخیره و نگهداری آبهای موجود، ضررهای جبران ناپذیری بدنبال خواهد داشت.**

*** کشور ما از لحاظ کار تخصصی آب دارای تاریخ طولانی و بسیار وسیعی در این زمینه بوده است، بطوریکه ۲ هزار سال پیش در شیراز و دیگر نقاط کشورمان تاسیسات آبی فراوانی و همچنین سدهای قوسی و سدهای پیچیده‌ای که توسط متخصصان کشورمان ساخته شده، وجود داشته است.**

اعتبارات زیادی را بخود جذب و زمان اجرای آن طولانی می‌شود و در نتیجه بازدهی اقتصادی این طرحها سرعت طرحهای دیگر نیست اما بایستی با صبر و تحمل و مقاومت در برابر مشکلات به سمت اجرای طرحها و پروژههای بخش آب حرکت کنیم.

مشکل دیگر آب کشاورزی مسئله نامتناسب بودن توپوگرافی حوزه‌های آبریز و شیب زیاد دامنه‌های البرز و سلسله جبال زاگرس که مهار کردن جریان سطحی را دشوار می‌کند، می‌باشد. این مسئله دو مشکل ایجاد کرده، یکی اینکه آبهای نزولات آسمانی به سرعت تخلیه و قدرت نفوذ پیدا نمی‌کنند یا اینکه مناطق نفوذناپذیر هستند و دیگر میزان فرسایش به مقدار زیادی بالاست بطوری که سدی که در ایران ساخته می‌شود، معمولاً زیر برآوردی است که در طرح‌ریزی برای پرشدن رسوب به آن می‌پردازند (زمان پرشدن رسوب خیلی کمتر از آن است)، برای نمونه: سد سفیدرود که خیلی سریعتر از زمانی که بایستی پر از رسوب شود، پر شده است و این مشکل دو عامل دارد: یکی عدم داشتن پوشش گیاهی و تثبیت حوزه‌های آبریز است و دیگر دارا بودن شیب حوزه‌ها می‌باشد.

مشکل دیگری که آب کشاورزی با آن مواجه است عدم برنامه‌ریزی صحیح در توسعه منابع آب می‌باشد و برنامه‌ریزیها در خیلی از مناطق صحیح و درست نبوده، بعنوان مثال: ما در حال حاضر پانزده سد مخزنی و سی و چهار سد انحرافی داریم که از این تعداد سد، حدود بیست و سه میلیارد مترمکعب آب سطحی توانسته‌ایم مهار کنیم و از این رقم فقط

آموزش‌هایی که به کشاورزان داده می‌شود، سیستم صحیح آبیاری به آنها آموخته شود و به آن میزانی که گیاه آب نیساز دارد، آب داده شود نه بیشتر و فکر نکنند اگر در جایی که آب زیاد وجود دارد باید اسراف کرد که این دو زبان عمده برای کشورمان دارد: اولاً سرمایه کشور بیهوده بهدر می‌رود و ثانیاً در مناطق دیگر باعث بالا آمدن آبها شده و موجب عواقبی همچون شوری زمین می‌گردد که خودش مستلزم زه‌کشی است. این آموزشها باید بصورتی انجام گیرد که کشاورز از هر قطره آب استفاده بیشتری کند و اگر

چهارده میلیارد مترمکعب هم اکنون برای آبیاری کشاورزان مصرف می‌شود، البته از چهارده میلیون مترمکعب آب حدود پنجاه درصد از آن بطور صحیح استفاده نمی‌شود و علت آن ساخته نشدن شبکه‌های سه و چهار می‌باشد، یعنی سد ساخته شده و شبکه یک و دو کشیده شده ولی شبکه سه و چهار که بایستی آب را به داخل مزارع ببرد، کشیده نشده، در نتیجه از آبی که تأمین شده و انتقال پیدا کرده، بصورت صحیح بهره‌برداری نمی‌شود در این زمینه با مشکلات زیادی روبرو هستیم و سیستمهای آبیاری بصورت صحیح رایج نبوده که بایستی از طریق



در مناطقی آب زیاد وجود ندارد، زمینهای زیادی هم برای کشت بکار گرفته می‌شود.

مطلب دیگری که وجود دارد، اعمال سیاست گذاریهائی است که باید صورت گیرد، بدینصورت از آبهایی که استحصال شده و در اختیار کشاورز قرار می‌گیرد در افزایش محصولات استراتژیکی مانند: گندم، برنج و غیره کاشته شود، آب برای زمینی که در آن خیار کاشته می‌شود اختصاص ندهیم در صورتی که در همان زمین می‌توان محصولات دیگری که جنبه حیاتی دارد، کاشت البته در این زمینه روستائیان بامشکل کمبود درآمد مواجه بوده و در صدد کاشت محصولات اقدام می‌کنند که بتواند درآمد و هزینه‌های زندگی آنان را تأمین کنند که بایستی برای این مشکل چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی کرد.

طبق آماري که موجود است، حدود بیست و سه میلیارد متر مکعب آب سطحی داریم که حدود چهارده میلیارد متر مکعب آن را برای آبیاری کشاورزی استفاده می‌کنیم، در حالی که حدود هجده و نیم میلیارد متر مکعب در سال به صورت سنتی از منابع سطحی استفاده می‌شود. این آمار نشانگر آن است که ما می‌توانیم سرمایه‌گذارهای عمده‌ای روی سیستمهای مهار و انتقال آب بصورت پروژه‌های کوچک اعم از سد های کوچک، کوتاه، وزنی، خاکی و یا مصالح بنائی خیلی ساده که در مناطق موجود است، انجام و این آبها را روی دشتها آورده و از آنها استفاده خوبی کنیم و یا در خیلی از مناطق می‌توان آب را از سرچشمه‌های کوهستانها مهار و قبل از آنکه این آبها بهم پیوندند و به صورت رودخانه بزرگی به دریا ریخته شوند، در همان مناطق استحصال و به مرور زمان از آن استفاده کنیم، مضافاً بر اینکه این آبها می‌توانند در جهت بالا بردن و افزایش میزان آبهای زیرزمینی مفید باشد ولی بعلمت عدم برنامه‌ریزی صحیح خیلی از مناطق ما با بیلان منفی آبهای زیرزمینی مواجه است و همه ساله شاهد افت آبهای زیرزمینی هستیم که نمونه بارز آن دشت قزوین و اطراف زاهدان است.

در رابطه با پروژه‌های کوچک و مزیتی که این پروژه‌ها دارند، این است که احتیاج به تخصص و تکنولوژی بالا نداشته و در تمام موارد، متخصصان ایرانی قادر هستند که در این زمینه کار، طراحی

و اجرا کنند و تجربه‌ای که در طول چند سال بدست آمده نشان می‌دهد که این کار خیلی مفید بوده است. نکته‌ای را که باید اضافه نمود این است که همه جا نمی‌شود از سدهای کوچک استفاده کرد، در رودخانه‌هایی پر آب مانند، کرخه نیاز به سدهای بلند که جنبه ذخیره‌ای داشته باشد، داریم. فرضاً ۵۵۲۰ متر مکعب در ثانیه در کرخه اندازه گرفته شده در حالی که میببینیم آب رودخانه کرخه تا حدود ۱۰ متر مکعب در ثانیه است، فاصله بین ۵۵۲۰ متر مکعب تا ۱۰ متر مکعب

یک رقم بزرگی است و بهتر است میزان آبی که در مواقع سیلاب داریم تا حدی ذخیره و در مواقعی که با کمبود آب مواجه هستیم از آن استفاده کنیم، در نتیجه ناچاریم برای یکسری رودخانه‌های بزرگ از پروژه‌های بزرگ و عظیم استفاده نمائیم علاوه بر این به میزان زیادی می‌توان از آنها انرژی تأمین کرد، تأمین انرژی برق به مراتب، نسبت به نیروگاههای اتمی و حرارتی تخصصی و تکنولوژی پایین تری را لازم دارد، این کار نیاز به ساختن سدهای بزرگ و مرتفع که بتواند چندین میلیارد متر مکعب آب را در پشت خودش ذخیره کند، دارد و ساختن آنها برای ما اجتناب‌ناپذیر است. باید به سمت پروژه‌هایی حرکت کنیم که بازده اقتصادی داشته باشند و پولی که با توجه به کمبود بودجه کشور در رابطه با این پروژه‌ها خرج می‌شود، بتوانند بازدهی خوب و مفیدی داشته باشند. ما ضمن اینکه بایستی بازده اقتصادی طرحها را در نظر بگیریم نباید از ساختن سدهای با ضریب اطمینان بالاتر خودداری کنیم، ما باید خودمان بسازیم و یک مقدار ضریب اطمینان را بالا بگیریم و یا اینکه هیچ کار و فکری نکنیم، همان کاری که رژیم گذشته انجام می‌داد، ولی اگر سمت جهت گیری به سمت خود کفائی کشور باشد، ناچاریم که دست به اجرای طرحهای فوق بزنیم. در خاتمه ذکر این نکته حائز اهمیت می‌باشد که باید دانشجویان، بخصوص رشته‌های راه و ساختمان تشویق و گرایش به سمت کارهای مربوط به آب پیدا کنند و همچنین مسئولان کشورمان باید از آنها در زمینه‌های طرح و برنامه‌ریزی در بخش آب استفاده کنند.

ما اگر بتوانیم با کارهای فرهنگی و غیره سیر تحصیلات و آموزشهایی که در دانشگاهها صورت می‌گیرد، به سمت آب گرایش پیدا کنند، بالطبع در آینده اثرات مثبت و مفید آن را خواهیم دید.

در خاتمه اقداماتی که تاکنون جهاد سازندگی در این زمینه انجام داده است را به طور خیلی فشرده به آگاهی می‌رسانیم:

در زمینه تأمین و انتقال آب کشاورزی:

از جمله فعالیتهای جهاد سازندگی فعالیت کمیته آب این نهاد را می‌توان نام برد که کار تهیه و اجرای خدمات زیربنائی کشاورزی در امور آبیاری با مشارکت زارعین بمنظور حداکثر استفاده از اراضی زیر کشت و آبهای موجود و احیا اراضی بایر و موات را بعهده دارد. تأکید این کمیته بر اجرای طرحهای

کوچک و کم‌خرج در یک برنامه کوتاه‌مدت و پروژه‌های بزرگ در برنامه‌های میان مدت و دراز مدت و استفاده از مصالح محلی و تکنولوژی و نیروی انسانی متخصص داخلی برای رسیدن به اهداف مقدس انقلاب اسلامی و رسیدن به خود کفائی است. علاوه بر این کمیته آب جهاد سازندگی در جهت تأمین امکانات لازم جهت بهره‌برداری متعادل از منابع زیرزمینی و سطحی نیز فعالیت نموده و در ضمن آن به ترویج استفاده صحیح از آب کشاورزی و جلوگیری از اتلاف آن پرداخته است. جهادگران جهاد سازندگی در ضمن کار و فعالیت خود پیوسته سعی داشته‌اند تا دانش و آگاهی روستائیان را در استفاده صحیح از آب بالا برده و جهت تأمین آب مورد نیاز مزارع و کشتزارهای آنان به کار تغذیه مصنوعی آبهای زیرزمینی از طریق استفاده از سیلابها و آبهای سطحی نیز توجه داشته‌اند.

از جمله فعالیتهای کمیته آب جهاد سازندگی احداث ۲۸۴۰ واحد سد خاکی و سیل‌بند و تعمیر و تکمیل ۳۷۶ واحد دیگر است که نقش مهمی در جلوگیری از اتلاف و هدر رفتن آب در سطح روستاها داشته است.

زه‌دشی کربال فارس و زه‌کشی و لایروبی مرداب انزلی از جمله پروژه‌های عظیم و غرور آفرین جهاد سازندگی در زمینه تأمین کشاورزی می‌باشد. با اجرای طرح زه‌کشی کربال فارس به مساحت چندین کیلومتر، ۸۰ هزار هکتار زمین زیر کشت محصولات کشاورزی قرار گرفته و با اتمام پروژه مرداب انزلی بیش از ۲۵ هزار هکتار اراضی مزروعی از نظر آب تأمین خواهد شد.

برادران ما در جهاد سازندگی تاکنون توانسته‌اند ۳۲۶۵ کیلومتر نهر و جدول احداث نمایند و ۳۲۴۶ کیلومتر نیز تعمیرات در این مور داشته باشند. در اثر این اقدامات به مقدار زیادی از هدر رفتن آبها در محل انتقال یعنی از محل خروج آب تا مزارع جلوگیری بعمل آمده و به سرعت انتقال آب به زمینهای زراعی نیز افزوده است.

با لایروبی، مرمت و احداث بیش از ۱۲ هزار قنات و چشمه‌سار، کمیته آب جهاد سازندگی توانسته است بیش از ۵ میلیارد متر مکعب آب تأمین نماید.

